

## بررسی تفسیری «سراح جمیل» در آیات ۲۸ و ۴۹ احزاب

اسماعیل ملکوتی خواه\*

### چکیده

طلاق و گسست خانواده در دین اسلام، امری نکوهیده و مورد غضب خدای متعال است اما اگر تداوم زندگی مشترک به علت ناسازگاری شدید و پایدار، میسر نباشد، جدایی همسران موجه می‌نماید. تعبیر قرآنی «سراحاً جمیلاً» در آیات ۲۸ و ۴۹ سوره احزاب، بر ضرورت زیبا و اخلاق‌مدارانه بودن شیوه تعامل همسران با یکدیگر در فرایند طلاق دلالت دارد تا ضمن رهایی زن، کرامت وی نیز مخدوش نگردد. این پژوهش پس از بررسی مفهوم «سراح جمیل» به بازخوانی و مستندسازی دیدگاه‌های مفسران در مورد این آموزه قرآنی پرداخته تا شاخصه‌های ایجابی و سلبی طلاق زیبا را ارائه نماید. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که واژه «جمیل» در قرآن کریم در مورد راهبرد شایسته و زیبای انسان‌ها در شرایط طاقت‌فرسا به کار رفته و انگیزه مثبت، رعایت مقررات طلاق، ایفای شایسته حقوق مادی و معنوی، یأس از اصلاح و آشتی، خوش‌گفتاری و خوش‌رفتاری، مشورت و توافق‌سازنده، پاسداشت حرمت یکدیگر و احترام به حق انتخاب همسر آینده، بخشی از شاخصه‌های ایجابی طلاق زیبا است و در مقابل، خشونت‌های گفتاری و رفتاری، ضرررسانی و ستم بر یکدیگر، کتمان حقایق، بهتان و رفتارهای گناه‌آلود، بخشی از شاخصه‌های سلبی طلاق زیبا است.

### واژگان کلیدی

آیات ۲۸ و ۴۹ احزاب، تفسیر تربیتی، سراح جمیل، طلاق زیبا.

### طرح مسئله

پدیده طلاق در دهه‌های اخیر از رشد نگران‌کننده‌ای برخوردار بوده است. آنچه بر این نگرانی‌ها افزوده، مغفول واقع شدن ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی در فرایند جدایی همسران است که پیامدهای فروپاشی خانواده را دوچندان می‌نماید. از نگاه قرآن کریم آنچه در اسلام تشریح شده، طلاق است که افزون بر مقررات فقهی - حقوقی، با آموزه‌های اخلاقی و معنوی نیز پیوند ناگسستنی داشته باشد. یکی از آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم در فرایند طلاق، قاعده «سراح جمیل» است که دو آیه: «وَأَسْرَحَنَّ سَرَاً جَمِيلاً» (احزاب / ۲۸) «وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَّاحاً جَمِيلاً» (احزاب / ۴۹) بر آن دلالت دارند و بر پایه آن، همسرانی که در مسیر اختلاف و جدایی قرار می‌گیرند، برآیند همه اقدام‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های آنان، باید جدایی زیبا و هنرمندانه باشد.

با توجه به قبح طلاق در فرهنگ اسلامی و زیانبار بودن آن، ممکن است وصف جمیل برای جدایی همسران و فروپاشی خانواده، نامانوس تلقی گردد، به‌ویژه در مواردی که طلاق غیرموجه می‌نماید، مانند: این‌که همسران با هم سازگارند و مشکل مهمی ندارند، یا فرزندی دارند که با جدایی والدین به مشقت می‌افتند یا به آسیب‌ها گرفتار می‌شوند یا این‌که جدایی همسران به خاطر تنوع طلبی و هوس بازی باشد. در این‌گونه موارد، طلاق از نظر اخلاقی نازیبا است، اما باید توجه کرد که قاعده قرآنی «سراح جمیل» به سبک طلاق و شیوه جدایی همسران نظر دارد. به بیان دیگر، طلاق در هر صورتی، چه موجه به نظر برسد یا غیرموجه، ممکن است به شیوه پسندیده و زیبا واقع شود و ممکن است به شیوه منکر و ناشایست و در دو آیه مذکور تأکید بر آن است که طلاق و گسست خانواده به شیوه نیک و زیبا باشد (بنابر این، جمیل در آیات مذکور قید احترازی است نه توضیحی). از این‌رو، چنین پرسش‌هایی قابل طرح است که به راستی، مقصود از سراح جمیل (= رهایی زیبا) چیست؟ شاخصه‌ها و مؤلفه‌های آن کدام است؟ معیار زیبا بودن شیوه جدایی همسران چیست؟ و چه اموری از موانع جدایی زیبا به‌شمار می‌آید؟

بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت، نکات فقهی دو آیه مذکور، را به خوبی تبیین کرده‌اند اما در تفسیر «سراح جمیل» به‌طور گذرا به ذکر نکاتی ارزشمند ولی کوتاه اکتفاء کرده‌اند. در بین پژوهش‌های مرتبط با موضوع طلاق نیز گاهی به ارزش‌های اخلاقی در طلاق اشاره شده اما مقاله‌ای که مسئله اصلی آن کاوش در مفهوم قاعده «سراح جمیل» و ارائه شاخصه‌های آن از دیدگاه مفسران باشد، یافت نشد. پژوهش حاضر در صدد است با استناد به دیدگاه‌های واژه‌شناسان و مفسران، ابتدا دو واژه «سراح» و «جمیل» را از منظر مفهوم لغوی و کاربردهای قرآنی بررسی نماید تا مقصود از «سراح جمیل» آشکار گردد و در ادامه، دیدگاه‌های مفسران در مورد سراح جمیل را بازخوانی و تحلیل نموده، به مستندات قرآنی آنها نیز اشاره نماید تا شاخصه‌های ایجابی و سلبی (= باید و نبایدهای) طلاق زیبا به‌دست آید.

## مفهوم‌شناسی واژگانی «سراج جمیل»

در این بخش، مفهوم لغوی و کاربرد قرآنی واژه‌های «سراج» و «جمیل» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. مفهوم سراج از دیدگاه واژه‌شناسان

«سَرَحٌ، یَسْرَحُ، سَرَحاً» به شکل لازم و متعدی به کار رفته است. برخی از موارد کاربرد این ماده عبارت است از: به چرا رفتن چهارپایان و به چرا بردن آنها، جاری شدن سیل به آسانی، آسان‌سازی و رها کردن از دشواری‌ها، رفتن و خارج شدن از مکانی، فرستادن فردی در پی کاری، گشایش و رفع تنگنا، طلاق و رهایی زن. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۴۷۸، فیومی، ۱۴۱۴: ۲ / ۲۷۳) به نظر می‌رسد «انطلاق و رهایی از نوعی وابستگی و رفع قیود مادی و معنوی»، معنای جامع این ماده باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳ / ۱۵۷) «تسریح» و «امساک» در برابر یکدیگر به کار می‌روند. امساک، گرفتن و نگهداشتن است و تسریح آزاد کردن از وابستگی. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱ / ۱۱۱) کاربرد تسریح در مورد طلاق به خاطر رفع قید زوجیت، گسست پیمان وثیق و استوار ازدواج و رها شدن کامل همسر از الزامات نکاح است.

### ۲. کاربرد قرآنی سراج و مشتقات آن

واژه «سراج» و مشتقات آن در قرآن کریم هفت بار به کار رفته که تنها در «وَحِينَ تَسْرَحُونَ» (نحل / ۶) به معنای فرستادن چهارپایان به چراگاه است اما در شش مورد دیگر که در چهار آیه قرار دارد، ناظر به طلاق و جدایی همسران است:

۱. «فَأَمْسَاكَ يَمْعُرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ يَاحْسَانَ» (بقره / ۲۲۹): به‌طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند، یا با نیکی او را رها سازد.

۲. «فَأَمْسِكُوهُنَّ يَمْعُرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ يَمْعُرُوفٍ» (بقره / ۲۳۱): به طرز پسندیده‌ای آنها را نگاه دارید و یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید!

۳. «فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ سَرَاْحًا جَمِيلاً» (احزاب / ۲۸): بیاوید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را به طرز نیکو رها سازم.

۴. «فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاْحًا جَمِيلاً» (احزاب / ۴۹): آنها را با هدیه مناسبی بهره‌مند سازید و به طرز شایسته‌ای رهایشان کنید.

«سراج» و مشتقات آن در این آیات، چه بر جدایی از همسر تطبیق شود یا ترک رجوع به همسر تا پایان عده، یا اجازه خروج از منزل و رفتن، (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۳۳، ۱۶ / ۳۰۵) هسته و گوهر معنایی این واژه در همه موارد رها کردن همسر و به‌دنبال آن، گسست زندگی مشترک است.

### ۳. مفهوم جمیل از دیدگاه واژه‌شناسان

ماده «ج م ل» و مشتقات آن، گاهی در معنای حسن و زیبایی به کار رفته و گاهی به معنای جمع شدن اجزاء و بزرگی است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۸۱) برخی نیز عقیده دارند معنای اصلی این واژه، زیبایی بسیار است و مفهوم جمع شدن اجزاء از لوازم کثرت و فراوانی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۲) برخی نیز گفته‌اند: ماده «جمل» بر هر چه دارای نضج (پختگی، رسیدن و کمال)، تناسب و نظم باشد، اطلاق شده و جمع شدن اجزاء پراکنده نیز با آن سازگار است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲ / ۱۱۱) «جمال» در اصل برای زیبایی کردار، اخلاق و احوال ظاهری بوده سپس در زیبایی صورت نیز به کار رفته است (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۵۷) وزن «جمیل» بر مبالغه دلالت دارد و ماده آن نیز کمال تناسب و زیبایی را می‌رساند.

### ۴. کاربرد «جمیل» در قرآن کریم

ماده «ج م ل» و مشتقات آن در هشت آیه، مفهوم زیبایی را به روشنی می‌رساند؛ در یک مورد، «جمال» (نحل / ۶) به «زیبایی» فرستادن چهارپایان به چراگاه اشاره دارد و در موارد دیگر، «جمیل» به معنای زیبا و بسیار نیک در امور اخلاقی و معنوی به کار رفته است: حضرت یعقوب علیه السلام در فراق اندوه‌بار حضرت یوسف علیه السلام و فرزند کوچکش گفت: «فَصَبْرٌ جَمِيلٌ» (یوسف / ۱۸ و ۸۳)؛ پس شکیبی نیکو. در سه آیه نیز خداوند به پیامبرش فرمان می‌دهد که در مواجهه با اقدام‌های خشونت‌بار مشرکان: «فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معاراج / ۵)؛ پس صبر کن صبری زیبا، «وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزل / ۱۰)؛ و از آنان به زیبایی دوری گزین، «فَأَصْفَحْ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر / ۸۵)؛ پس (از آنان) با گذشتی زیبا درگذر» و در دو مورد نیز سخن از شیوه طلاق است: «سَرَّاحًا جَمِيلًا» (احزاب / ۲۸ و ۴۸)؛ رهاساختنی زیبا.

«صبر زیبا» آن است که انسان هیچ سخنی بر خلاف رضایت خدای متعال نگوید و رفتاری که نشانه ناسپاسی باشد، انجام ندهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹ / ۳۵۲). گذشت زیبا آن است که از آنان درگذرد، و روی خوش نشان دهد، بدون هیچ عتاب و جدالی! دوری گزیدن زیبا آن است که در برابر آزار آنان، مقابله به مثل نکند، بلکه با خلق نیکو و خیرخواهی، آنان را به سوی حق دعوت کند. رهایی زیبا در مورد طلاق آن است که خصومت و مشاجره‌ای در کار نباشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۱۹۰؛ ۲۰ / ۶۷؛ ۱۶ / ۳۷)

در این موارد، واژه «جمیل» در مورد بحران‌های دشوار و طاقت فرسا، مانند: ابتلائات حضرت یعقوب علیه السلام، دشمنی‌های مشرکان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز گسست خانواده، به کار رفته است. در چنین شرایط دشواری که بیشتر انسان‌ها با شتاب‌زدگی و خشم سرشار، به اقدام‌های نسنجیده رو می‌آورند، فرمان خداوند آن است که شیوه مواجهه، بسیار زیبا و از روی پختگی و کمال عقل باشد.

## ۵. نگاهی به آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب

در دو آیه، واژه «جمیل» هم‌نشین وصفی برای «سراج» قرار گرفته که دلالت دارد طلاق و جدایی همسران به شیوه زیبا و اخلاق مدار باشد.  
آیه یکم:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُ مِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتَّعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ  
سَرَّاحًا جَمِيلًا \* وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ  
أَجْرًا عَظِيمًا. (احزاب / ۲۸، ۲۹)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر همواره زندگی پست (دنیا) و زیور آن را می‌خواهید پس بیایید تا شما را بهره‌مند سازم و شما را با آزادی نیکویی رها سازم و اگر همواره خدا و فرستاده‌اش و سرای آخرت را می‌خواهید، خدا برای نیکوکاران از شما، پاداش بزرگی آماده ساخته است.

بنابر شأن نزول، در برخی از جنگ‌ها غنائم فراوانی به‌دست آمد و همسران پیامبر ﷺ از آن حضرت، لوازم گوناگون و افزایش نفقه را خواستار شدند. برخی از آنان نیز در بیان تقاضای خود تندروی نمودند. آن حضرت از همسران خود فاصله گرفت تا این آیات نازل شد. (فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۲ / ۲۳۸) سیاق آیات نیز به نارضایتی همه یا برخی از همسران رسول خدا ﷺ اشاره دارد. آنان از پیامبر ﷺ خواستند که از جلوه‌های زینت مادی دنیا بهره‌مندشان سازد و در زندگی آنان توسعه دهد. خداوند به آن حضرت دستور داد که همسرانش را مخیر سازد، یا بروند و آن‌گونه که می‌خواهند زندگی کنند و یا بمانند و با همان زندگی ساده بسازند. این آیات نشان می‌دهد که زندگی مرفهانه، با مقام همسری آن حضرت سازگار نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۰۵)

پیامبر ﷺ برای همه خداجویان، «اسوه حسنه» است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب / ۲۱) و قلمرو اسوه بودن آن حضرت افزون بر مسائل عبادی، حکمرانی، نظامی و اخلاق فردی و اجتماعی، شامل مسائل خانوادگی نیز می‌باشد. از این‌رو، آن حضرت با پاره‌ای از بداخلاقی‌ها و ناسازگاری‌های برخی از همسرانش، برخوردی کریمانه داشت و مشکلات خانواده خود را به خوبی مدیریت کرد (ر.ک: تحریم / ۱ - ۵) و هنگامی که با رو آوردن همسرانش یا برخی از آنان، به دنیاطلبی و دنیاگرایی، نزدیک بود اهداف رسالت و رهبری الهی ایشان مورد خدشه قرار گیرد، به فرمان خداوند، پیامبر ﷺ آنان را بین ترجیح دادن ارزش‌های دینی و رهایی زیبا مخیر گردانید. اگر آنان جدایی را بر می‌گزیدند، آن حضرت آنان را بهره‌مند می‌ساخت و به شیوه‌ای بسیار زیبا و خداپسندانه آنان را رها

می‌کرد: «أُمَّتَعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا». (احزاب / ۲۸) بنابراین، آن حضرت در مسائل خانوادگی نیز اسوه حسنه است. بنابراین، مقصود از تسریح در این آیه طلاق دادن و رها ساختن است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۵۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۷۷) برخی از مباحث فقهی ذیل این آیه مطرح شده که خارج از مسئله پژوهش و هدف آن است.

آیه دوم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَعَّوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا. (احزاب / ۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان را به همسری گرفتید، سپس قبل از تماس با آنان، طلاقشان دادید، پس برای شما هیچ عده‌ای که آن را بشمارید، بر عهده آن زنان نیست. پس آنان را (با هدیه‌ای) بهره‌مند سازید و با آزادی نیکویی رهایشان سازید.

این آیه، افزون بر این که رهایی زیبایی زن را در طلاق پیش از زفاف، که هنوز پیوند عاطفی زوجین شدت نیافته، یک امر الزامی می‌شمرد، به اولویت دلالت دارد در مواردی که پیوند عاطفی بین همسران، با رابطه زناشویی و تولد فرزند مستحکم‌تر می‌شود، مرد باید زن را به گونه بسیار زیبا رها سازد. البته توصیه به «سراح جمیل» خطاب به مردان صادر شده که نشان می‌دهد نقش مردان در تحقق طلاق زیبا مهم‌تر و تعیین‌کننده است ولی در ادامه پژوهش روشن خواهد شد که زنان نیز در طلاق زیبا، نقش آفرین و مسئولند.

برای تشخیص زیبا و نیک بودن افعال اختیاری انسان معیارهایی قابل طرح است: گاهی هدایت‌های فطری و عقلی، درک روشنی از زیبا و نیک بودن افعال اختیاری دارد. این ادعا در بحث حسن و قبح ذاتی و عقلی اثبات شده است. (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۹۷) گاهی نیز دلایل نقلی، مانند: آیات و روایات بر زیبا و نیک بودن رفتاری دلالت دارند. گاهی نیز خصلت یا رفتاری در سیره عقلاء و عرف جامعه، نیک و زیبا شمرده می‌شود که اگر در محدوده هدایت‌های عقلی و شرعی باشد، از اعتبار لازم برخوردار است. از این‌رو، برخی از مفسران در تفسیر سراح جمیل به آیات قرآن، مانند: بقره / ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳؛ نساء / ۲۰ یا عناوین مستفاد از آنها استناد کرده‌اند، (ر.ک: صادقی، ۱۴۱۹: ۱ / ۴۲۱) گاهی نیز به روایات (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۹۵) و گاهی نیز به عناوینی اشاره کرده‌اند که از مصادیق حسن و قبح عقلی به‌شمار می‌آید.

بنابراین، دایره معنایی «جمیل» در فرایند طلاق، از توسعه مفهومی برخوردار است و با تحفظ بر

معیارهای عقلی، شرعی، عرفی و اخلاقی، هر چه نیک و زیبا به‌شمار آید را شامل می‌شود. از این‌رو، برای تشخیص مصادیق جمیل نه تنها باید به گرایش‌های انسانی توجه کرد بلکه جهت آن نیز باید به سمت طاعت الهی و فراهم آوردن رضایت خداوند باشد.

### شاخصه‌های ایجابی طلاق زیبا

در این بخش، ضمن بازخوانی آراء مفسران در مورد سراح جمیل، شاخصه‌های ایجابی طلاق زیبا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱. انگیزه زیبا

در اندیشه اسلامی، انگیزه عمل از جایگاه والایی برخوردار است و در قلمرو ارزش‌گذاری اخلاقی قرار می‌گیرد. از این‌رو، برای ارزش‌گذاری شیوه طلاق و اتصاف آن به خوب و بد یا زیبا و زشت، «ارزیابی انگیزه‌های درونی» ضروری به نظر می‌رسد.

از این‌رو، یکی از شاخصه‌های سراح جمیل آن است که طلاق بر پایه انگیزه‌های خداپسندانه و خردمندانه باشد، نه به خاطر پیروی از هواهای نفسانی! آیه «وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۲۷) اشاره دارد که خداوند سخنان شما را می‌شنود و از انگیزه طلاق و جدایی آگاه است و شما را طبق آن جزا می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۱۵۳) امام محمدباقر علیه السلام فرمود: کسانی که با انگیزه تنوع‌طلبی و لذت‌جویی به طلاق‌های مکرر روی می‌آورند، مورد غضب خداوند سبحان می‌باشند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۵۴) گاهی نیز افرادی از روی غضب و با انگیزه انتقام‌جویی (از همسر یا خانواده او) به طلاق رو می‌آورند، به یقین چنین طلاق‌ی نیز زشت بوده و مورد نظر شارع مقدس نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۳۳) اما در صورتی که انگیزه طلاق، نجات از دام فحشاء و منکر، یا رهایی از سوء معاشرتی باشد که تحمل آن دشوار است و راهی نیز برای اصلاح وجود ندارد، ضرورت و مصلحت ایجاب می‌کند که طلاق مورد توجه قرار گیرد.

#### ۲. رعایت مقررات شرعی طلاق

در قرآن کریم، احکام و مقررات مسئله «طلاق» به‌صورت دقیق و سخت‌گیرانه تشریح گردیده و سوره‌ای نیز با همین نام نازل شده است. به نظر گروهی از مفسران «سراح جمیل» اشاره به طلاق است که طبق احکام قرآن و سنت اسلام واقع شود و از بدعت‌ها پیراسته باشد. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۹۹؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۱۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۲۰۵) در روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز بر رعایت این مقررات

تأکید شده، مانند: این که طلاق در زمان طهارت زن که آمیزش جنسی در این زمان واقع نشده و نیز با حضور دو شاهد عادل باشد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۶۴) پیشوایان علیهم‌السلام طلاق که بر پایه مقررات اسلام نباشد را باطل اعلام کرده‌اند. امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود: اگر امر مردم (و حکومت) به دست من بود، شیوه طلاق را به مردم تعلیم می‌دادم، آنگاه اگر کسی رعایت نمی‌کرد او را مجازات می‌کردم. (ر.ک: حرعاملی، ۱۱۰۴: ۲۲ / ۱۶) در تفسیر نمونه با پذیرش این که یکی از مصادیق روشن «سراح جمیل» همین دیدگاه است، می‌افزاید: مسلم است که «سراح جمیل» محدود به این معنا نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۷۴)

### ۳. یأس از اصلاح و سازش

در فرایند اختلاف‌ها و جدایی همسران، فرصت‌ها و راهکارهایی برای پیش‌گیری از طلاق یا رجوع به زندگی مشترک در ایام عده، در نظر گرفته شده است؛ آیه: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرٌ كَثِيرًا» (نساء / ۱۹) بر ضرورت «حزم و دوراندیشی» اشاره دارد تا همسران را از تصمیم‌های شتاب‌زده در فراز و فرودهای عاطفی برحذر دارد. در آیات نشوز و شقاق، نیز راهکارهایی بنیادین، مانند: «مصالحه» و «داوری» برای حل مشکلات خانوادگی و پیش‌گیری از طلاق ارائه شده است. (ر.ک: سوره نساء / ۳۴، ۳۵ و ۱۲۸)

پس از طلاق نیز، بنابر آیه: «وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ» (بقره / ۲۲۸) خداوند متعال اهتمام شدید دارد که شوهران با حسن نیت و قصد اصلاح، به همسران خود رجوع کنند. یکی از حکمت‌های حکم عده و خویشنداری زنان مطلقه به مدت سه طهر، فراهم آوردن فرصتی برای تسکین همسران و متنبه شدن آنان است تا اگر انگیزه‌های مرد از طلاق، سطحی و گذرا بوده، پشیمان گردد و بدون هیچ‌گونه تشریفات و عقد جدید به زندگی مشترک برگردد. اگر زن نیز سرکشی داشته، از نافرمانی برگردد و قدردان زندگی مشترک گردد. (ر.ک: علیجانی، ۱۳۹۵: ۱۳) زن در ایام عده، باید در منزل خود سکونت داشته باشد تا احترام او حفظ شود و نیز با ابراز رفتارهای جذاب، به دنبال تغییر شرایط و بازگشت مرد به زندگی مشترک باشد. امام صادق علیه‌السلام با اشاره به آیه: «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ... لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق / ۱) فرمود: مطلقه سرمه بکشد و خضاب نماید و خود را خوشبو سازد و لباس دوست داشتنی بپوشد، امید است او در دل شوهرش محبوب واقع شود و شوهر به او رجوع کند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۹۲۴) بنابراین، یکی از شاخصه‌های «سراح جمیل» آن است که همسران به رغم بهره‌گیری از راهکارها و فرصت‌هایی که اشاره شد، توفیق چندانی برای اصلاح و سازش نداشته باشند و طلاق آخرین راهکار تلقی گردد. روشن است وصف «جمیل» نیز که در معنای آن نضج (رسیدن و پختگی)، بلوغ و کمال لحاظ شده با طلاق‌های شتاب‌زده سازگار نیست.



#### ۴. تأمین شایسته حقوق مادی و معنوی

در نگرش قرآنی، زنان مطلقه از کرامت انسانی و شرافت اسلامی برخوردارند و بر حفظ حقوق مادی و معنوی آنان تأکید شده است. از این رو، برخی از مفسران «سراج جمیل» را در راستای پرداخت حقوق زنان تفسیر کرده‌اند:

الف) جمعی از مفسران گفته‌اند: سراج جمیل طلاق است که مرد همه حقوق مطلقه را پرداخت نماید، مانند: نفقه، مسکن، مهریه و متعه. (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۵۹۸) بنابر این، اگر مرد مهریه همسرش را نپرداخته، آن را کامل بپردازد مگر در صورتی که وقوع طلاق قبل از رابطه زناشویی باشد که باید نصف مهر پرداخت شود (ر.ک: بقره / ۲۳۷) و نیز نفقه او را در زمان عده طلاق، مانند: خوراک، پوشاک و مسکن زن تأمین نماید. مطلقه باردار نیز که پایان عده‌اش به زایمان است، از این حقوق برخوردار است و پس از زایمان نیز مرد عهده‌دار هزینه‌های فرزند و اجرت شیردهی است. (ر.ک: طلاق / ۶)

تأکید بسیاری از مفسران بر این که در «سراج جمیل» هیچ‌یک از حقوق همسر، نباید از او دریغ شود (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۴۹، فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۹۵)، «حقوق معنوی» را نیز شامل می‌شود؛ آیه «لَا تُضَارَّ وَالِدَهُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودُ لَهُ بِوَلَدِهِ» (بقره / ۲۳۳) اشاره دارد در فرایند طلاق و پس از آن، حق «حضانت» و «دیدار فرزند» برای زن و مرد ثابت است و هیچ‌کدام نمی‌توانند دیگری را از دیدن فرزند و نگهداری او محروم سازند و از این جهت به دیگری ضرری برسانند. همان‌گونه که هیچ‌یک از این دو، حق ندارند سرنوشت کودک را وجه المصالحه اختلاف‌های خویش قرار دهند و بر جسم و روح نوزاد، ضربه وارد کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۱۸۶)

ب) جلوه دیگر طلاق زیبا آن است که همسران در تأمین حقوق مالی و غیرمالی یکدیگر، تعاملی شایسته و سازنده داشته باشند؛ طلاق‌دهنده بدهی مالی خود را به شیوه متعارف و مناسب با حال همسر بپردازد و مطلقه نیز توانایی مالی مرد را در نظر بگیرد و از سخت‌گیری و اسراف اجتناب ورزد: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره / ۲۳۳). از این رو برخی از مفسران گفته‌اند: رهایی نیکو آن است که مرد با تأخیر و مسامحه در تأمین حقوق زن، وی را اذیت نکند. (همان: ۲ / ۱۶۸)

#### ۵. متعه طلاق (هدیه‌ای ارزشمند)

در دو آیه مورد بحث، تمتع با سراج جمیل هم‌نشین شده است. از این رو، جمعی از مفسران گفته‌اند: سراج جمیل آن است که طلاق‌دهنده متناسب با وضعیت مالی خود، متاعی شایسته به مطلقه بپردازد (طبرسی، ۱۳۷۳: ۸ / ۵۷۱، امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۰ / ۲۴۲) که آن را متعه طلاق گویند. لازم به ذکر است «فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب / ۴۹) که بر وجوب پرداخت متعه در طلاق پیش از زفاف

دلالت دارد، اطلاق آن به مواردی مقید می‌شود که در عقد، میزان مهریه را معین نکرده باشند؛ زیرا در صورت تعیین مهر و وقوع طلاق قبل زفاف، باید نیمی از مهریه به مطلقه پرداخت شود. (ر.ک: بقره / ۲۳۷) البته پرداخت متعه به مطلقه در سایر موارد نیز مستحب است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۴۷؛ ۱۶ / ۳۳۵) در این مسئله دیدگاه‌های دیگری نیز ارائه شده که بررسی آنها مجال دیگری می‌طلبد.

امام باقر علیه السلام در باره حکمت پرداخت متعه طلاق فرمود: با زنان مطلقه به زیبایی رفتار کنید و به اندازه توان مالی خود به آنها نیکی کنید؛ زیرا آنان با ترس و اندوه و شماتت دیگران به خانه پدری خود باز می‌گردند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳ / ۵۰۶) ارزش معنوی متعه در چنین شرایطی مهم‌تر از جنبه مادی آن است؛ زیرا چنین متاعی پیام قدردانی و تکریم همراه دارد و از انتقام‌جویی و کینه‌توزی پیشگیری می‌کند.

#### ۶. عفو (گذشت مالی و بخشش خطا)

عفو و گذشت، از ارزش‌های اخلاقی در زندگی مشترک است که در قرآن کریم به آن توصیه شده است. (بقره / ۲۳۷) در فرایند جدایی نیز شایسته است زوجین نیز در مسائل مالی، گذشت داشته باشند و هم از خطاهای یکدیگر در گذرند. آیه: «... إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (بقره / ۲۳۷) پس از اختصاص نصف مهریه در مورد طلاق پیش از زفاف، مطلقه و ولی او را تشویق می‌کند که چیزی از آن مهریه را نگیرند و طلاق‌دهنده را نیز تشویق می‌کند که تمام مهر را پرداخت نماید، چراکه «گذشت» موجب صفا و پاکی دل است و از کدورت، دشمنی و خشونت در رفتار جلوگیری می‌کند. جمله «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» نیز سخن را فراتر از گذشت مالی، به بخشش خطاها و جفای زوجین می‌کشد تا همسران پس از طلاق، از خشم و کینه رها شوند و به آرامش برسند. از این رو، برخی از مفسران در تفسیر «سراج جمیل» گفته‌اند: اگر در فرایند طلاق به همسر جفا شد، از او حالیت بطلبند و رضایتش را به‌دست آورند. (بروسوی، بی‌تا: ۷ / ۲۰۲)

#### ۷. حسن معاشرت

یکی از اصول اخلاقی در روابط زوجین اصل معاشرت به معروف است: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، (نساء / ۱۹) حتی زمانی که زن در عده طلاق به سر می‌برد، حسن معاشرت بر مرد لازم است؛ زیرا زن هنوز، زوجه او به‌شمار می‌رود و احکام زوجیت نیز اجرا می‌گردد. (جوادی، ۱۳۸۵: ۱۱ / ۳۴۲) از این رو، سراج جمیل آن است که در فرایند جدایی، معاشرت با مطلقه نیکو باشد. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۹۰؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۳ / ۲۰۷۸) خوش‌گفتاری و خوش‌رفتاری دو جلوه مهم حسن معاشرت به‌شمار می‌آید:

### یک. خوش‌گفتاری

برخی از مفسران گفته‌اند: برای تحقق سراج جمیل، سخنان باید زیبا و مهربانانه، (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸ / ۳۳۱) لین و نرم، (مراغی، بی‌تا: ۲۲ / ۲۱) پاک و خوشایند (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱۱ / ۲۲۶) و مؤدبانه (کرمی، ۱۴۰۲: ۶ / ۳۰۰) باشد.

### دو. خوش‌رفتاری

خوش‌رفتاری و احترام به همسر در فرایند اختلاف‌ها و جدایی، نشانه بزرگواری و حق‌شناسی بوده و احترام طرف مقابل را در پی خواهد داشت و ضمن تقویت عزت نفس در همسران، به حفظ حریم‌ها کمک می‌کند و در طلاق سازگاران نقش مؤثری ایفاء می‌کند. از این رو، برخی گفته‌اند: «سراج جمیل» به معنای ره‌ساختن توأم با محبت و احترام و ترک هرگونه خشونت و بی‌احترامی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۷۴) امام محمدباقر علیه‌السلام پس از اشاره به پیامدهای روحی - روانی طلاق و تأکید بر برخورد نیک و زیبا با زنان مطلقه، فرمود: گرامی‌ترین شما افرادی هستند که همسرانشان را بیشتر تکریم می‌کنند: «انَّ اَکْرَمَکُمْ اَشَدُّکُمْ اِکْرَامًا لِحَالَتِکُمْ». (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۳ / ۵۰۶)

### ۸. مشورت‌سازنده و توافق

برخی از مفسران در تفسیر «سراج جمیل» از طلاق نیکو، توأم با تفاهم، (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۳۱۴) رضایت‌بخش بودن شیوه جدایی (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۰ / ۲۴۲) و تأمین حقوق همسر در فضایی رضایت‌مندانه (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸ / ۲۹۵) سخن گفته‌اند که برگرفته از اصل «تراضی» در مسائل خانوادگی است. زوجین باید در مراحل مختلف زندگی مشترک حتی در فرایند طلاق به دنبال توافق و جلب رضایت یکدیگر بر آیند. «توافق شایسته» بر بازگشت به زندگی مشترک از «فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْکِحْنَ أَرْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره / ۲۳۲) و نیز توافق بر بازگرفتن کودک از شیرخوردن در ایام عده از: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره / ۲۳۳) مستفاد است.

تعبیر «تراضی» و «تشاور» در این آیه بیان‌گر آن است که همسران به منظور رسیدن به توافق و حل و فصل مسائل مشترک، به گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و مشورت‌های سازنده رو آورند، به‌ویژه در اموری که در راستای ایفاء نقش والدینی آنها است: «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِالْمَعْرُوفِ» (طلاق / ۶) نیز شمولیت اصل تشاور را، فراتر از موضوع شیردهی به فرزند در دوران عده، به همه مسائل اختلافی بین زوجین می‌کشد تا آنان در فرایند طلاق، به توافق و تصمیم مشترک در همه امور اختلافی برسند و «سراج جمیل» تحقق یابد.

## ۹. رأفت و عطوفت

همان‌طور که ازدواج، تشکیل زندگی مشترک بر پایه عشق و محبت است، طلاق نیز جدایی همسران توأم با محبت و برخورداری است. (صادقی، ۱۳۶۵: ۲۴ / ۱۷۴) از این‌رو، یکی دیگر از شاخص‌های «سراح جمیل» آن است که رها نمودن زن از قید زوجیت، با مهر و محبت توأم گردد و در جوی دوستانه و عطوفتی بزرگوارانه انجام پذیرد تا زن با کمال رأفت و مهربانی و بدون هیچ‌گونه تأثر خاطر از خانه مرد برود. (ر.ک: حسینی، ۱۴۰۴: ۱۳ / ۱۴۵؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۵۱۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸ / ۳۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۷۴؛ خطیب، ۱۴۲۴: ۱۱ / ۷۳۴) بدیهی است اگر فرایند طلاق و تأمین حقوق یکدیگر در فضایی دوستانه و محترمانه باشد، تألمات روحی - روانی زوجین بسیار کاهش یافته و سازگاری با طلاق تسهیل می‌گردد.

## ۱۰. یادکرد نیک و مساعدت بر ازدواج جدید

داشتن نام نیک بین مردم، از نعمت‌های الهی و درخواست‌های پیامبران بوده است: «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (مریم / ۵۰). از این‌رو، در «سراح جمیل» همسران به پاس زندگی مشترک که با یکدیگر داشته‌اند، در غیاب یکدیگر جز به نیکی و احترام از یکدیگر یاد نمی‌کنند (قشیری، بی‌تا: ۳ / ۱۶۷، بروسوی، بی‌تا: ۷ / ۲۰۲) تا اعتبار و منزلت اجتماعی هر دو صیانت شود. افزون بر این، در «سراح جمیل» طلاق‌دهنده پس از جدایی، نه تنها از ازدواج همسر قبلی خود جلوگیری نمی‌کند بلکه او را در تشکیل خانواده جدید مساعدت می‌نماید و نزد خواستگاران او را می‌ستاید تا مردم از او روگردان نشوند. (صادقی، ۱۳۶۵: ۲۴ / ۱۷۴، طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱۱ / ۲۲۶)

## شاخصه‌های سلبی

برخی از مفسران در تبیین «سراح جمیل» از باب «تعرف الأشياء بأضدادها» به عنوانی اشاره کرده‌اند که در تقابل معنایی با «سراح جمیل» قرار دارند و از موانع طلاق زیبا به‌شمار می‌آیند:

### ۱. عضل (تحمیل ناروا)

یکی از موانع طلاق زیبا، «عضل» است. (شاذلی، ۱۴۱۲: ۵ / ۲۸۷) «عضل» در لغت به معنای آن است که کسی را در تنگنای شدید قرار دهند و از روی ستم مانع انجام خواسته‌اش شوند. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۲۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۴۵۱) ماده «عضل» در دو آیه از قرآن کریم به کار رفته است:

### یک. تحمیل ناروا در همسرگزینی

پس از انحلال خانواده، زن در مورد سرنوشت آینده‌اش حق انتخاب دارد. آیه «وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجْلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره / ۲۳۲) دلالت دارد اگر بانوی مطلقه پس از تمام شدن عده، راضی بود که با همسر قبلی خود بر پایه توافقی مشروع، دوباره ازدواج کند، اولیاء و خویشاوندان زن نباید با غرض ورزی و لجاجت، مانع شوند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۳۷) برخی نیز گفته‌اند: مفاد آیه آن است که طلاق دهنده به خاطر حساسیت و غیرت بی‌جا نباید مانع ازدواج مطلقه با مرد دیگر شود. (بلاغی، ۱۴۲۰: ۱ / ۲۰) این آیه، سراج جمیل را تفسیر می‌کند و غیرت‌ورزی جاهلانه مرد را غیرموجه می‌شمرد. (صادقی، ۱۴۱۹: ۴۲۴) بنابراین «فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ» بر ممنوعیت کار بست «عضل» در مورد حق بانوی مطلقه برای همسرگزینی دلالت دارد.

### دو. تعدی به حقوق مالی زن

در زمان جاهلیت غالباً هنگام طلاق، مهریه زن به مرد مسترد می‌شد. (بلاغی، ۱۴۲۰: ۱ / ۲۰۶) قرآن کریم این اقدام را برای صیانت از حقوق زنان ممنوع کرد: «وَ آتَيْتُمُ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا» (نساء / ۲۰ و ۲۱) از این رو، گروهی از مفسران گفته‌اند: سراج جمیل آن است که مرد آنچه را به زن پرداخته، از او مطالبه نکند. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۵ / ۱۷۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۲ / ۵۰) در آیه «أَوْ تَسْرِحُ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا» (بقره / ۲۲۹) نیز از هم‌نشینی جدایی نیکو با ممنوعیت اخذ اموال زنان مطلقه استفاده می‌شود پس نگرفتن اموالی که مرد به زن پرداخته یا بر عهده گرفته، یکی از لوازم طلاق نیکو است. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲ / ۱۴۶) طمع به اموال زن در صورتی وقیحانه‌تر می‌شود که با سخت‌گیری و اقدامات خسونت‌آمیز، زن را مجبور کنند تا بخشی از مهر خود را ببخشد! خداوند چنین تحمیل ناروایی را ممنوع کرد: «وَ لَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ». (بقره / ۱۹)

### ۲. اضرار

بسیاری از مفسران گفته‌اند: سراج جمیل، طلاقی است که در آن اضرار و ضرررسانی نباشد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۹۸؛ شیر، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۵۴ و ۱۴۳) اضرار از ریشه ضرر گرفته شده که در تقابل معنایی با نفع قرار دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۴۸۲) در آیات طلاق، به مواردی از اصل «ممنوعیت ضرررسانی» اشاره شده، مانند: ممنوعیت رجوع به همسر به منظور ضرررسانی و تعدی بر او: «وَ لَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا لِيُعْتَدُوا» (بقره / ۲۳۱) و نیز ممنوعیت ضرررسانی با ایجاد شرایط غیر قابل تحمل، تا زن از نفقه و مسکن مشترک در دوران عده درگذرد: «وَ لَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ»، (طلاق / ۶) و نیز

ممنوعیت ضرررسانی به جسم و جان کودک به وسیله محروم کردن والد دیگر از دیدار با فرزند و سلب حق حضانت در فرایند طلاق: «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ يَوْكِدْهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ يَوْكِدْهُ» (بقره / ۲۳۳) بنابراین در طلاق زیبا، زوجین باید از هرگونه اضرار و زیان‌رسانی به یکدیگر و به فرزندان اجتناب ورزند.

### ۳. ایذاء

به نظر بسیاری از مفسران، ایذاء همسر یکی از موانع سراح جمیل به‌شمار می‌آید (کاشانی، ۱۳۳۶: ۷ / ۳۰۷، گنابادی، ۱۴۰۸: ۳ / ۲۵۰، ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۸۸) «ایذاء» هرگونه اذیت و آزار جسمی و روحی را شامل می‌شود. آزاررسانی به مؤمنان از جمله گناهان آشکاری است (ر.ک: احزاب / ۵۸) که به منزله اعلام جنگ با خداوند به‌شمار آمده، (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۵۰) ازاین‌رو، در طلاق زیبا، همسران از هرگونه موجبات آزاررسانی به یکدیگر در فرایند طلاق اجتناب ورزند؛ چه آزارهای بدنی، مانند: ضرب و جرح و یا آزارهای روحی - روانی، مانند: دشنام دان، تهمت زدن، تحقیر و توهین.

### ۴. ظلم

ظلم بر همسر، یکی از موانع طلاق زیبا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۷۳) در آیات متعددی، طلاق نیکو و دیگر احکام و ارزش‌های اخلاقی در طلاق، از حدود الهی تلقی شده که رعایت نکردن آنها موجب ستم بر دیگری و خویشتن است: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره / ۲۲۹، ر.ک: بقره / ۲۳۱، طلاق / ۱) «ظلم» در اصل به‌معنای نهادن چیزی در غیر جایگاه ویژه خود، از روی تعدی است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۳ / ۴۶۸) ظلم، تضييع حق و اداء نکردن آن است؛ چه آن حق، مادی باشد یا معنوی، حق مربوط به خدا باشد یا خود انسان، یا دیگری. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷ / ۱۷۱) طلاق به شیوه زشت و ناجوانمردانه، افزون بر این که حق‌کشی و ستم بر همسر است، ستم بر خویشتن نیز می‌باشد؛ زیرا قبل از آن که رفتار بد به دیگری صدمه بزند، به انجام‌دهنده آن صدمه می‌زند و کیفر الهی و محرومیت از پاداش را نیز به‌دنبال دارد.

### ۵. بهتان و رفتارهای گناه‌آلود

یکی از شاخصه‌های سلبی سراح جمیل تهمت زدن به همسر به منظور انتقام گرفتن یا توجیه جدایی است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۳۶۴) پیش از اسلام مرسوم بود که اگر مردان می‌خواستند ازدواج مجددی داشته باشند با متهم ساختن همسر به اعمال منافی عفت، او را وادار می‌کردند مهریه را بازگرداند و به طلاق راضی شود، آنگاه همان مال را مهریه برای همسر دوم قرار می‌دادند! (صادقی، ۱۳۶۵: ۶ / ۳۶۵)

خداوند به شدت، بهتان زنی و هرگونه اقدام زشت و گناه آلود را در فرایند طلاق ممنوع ساخت و فرمود:

وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ  
بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مَيْبِنًا (نساء / ۲۰)؛

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن آن مهر، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟

بازپس گرفتن مهریه زنان، گناه است و رو آوردن به بهتان و رفتارهای گناه‌آلود، برای بازپس‌گیری آن، گناه مضاعف است.

#### ۶. کتمان حقیقت

یکی از موانع طلاق زیبا، کتمان و پنهان‌کاری به منظور تضییع حقوق همسر است. واژه کتمان در اصل به معنای پنهان نمودن آنچه در دل و ضمیر آدمی است، می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۰ / ۲۴) آیه: «وَلَا يَجِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ» (بقره / ۲۲۸) دلالت دارد برای زنان مطلقه در دوره عده روا نیست آنچه را خداوند در رحم‌هایشان آفریده، کتمان کنند. مقصود از کتمان آن است که زن در مورد وضعیت رحم خود از نظر پاکی و طهارت و وجود نطفه و حمل، خبررسانی نکند تا حقوق مرد را تضییع نماید؛ مثلاً، زن حامله که پایان عده او به وضع حمل است، به منظور محروم کردن مرد از حق رجوع و پیوستن به زوج دیگر، حامله بودن خود را اعلان نکند.

#### ۷. خصومت و مشاجره

جمعی از مفسران نوشته‌اند: سراج جمیل، طلاق‌ی است که در آن خصومت و مشاجره کلامی بین زوجین نباشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۵۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۰۷) خصومت در لغت به معنای نزاع، دشمنی و ستیزه‌جویی است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳ / ۷۰) خصومت و دشمنی در فرایند جدایی، مودت و آرامش همسران را زایل نموده و به کینه‌توزی و دوری بیشتر آنان از یکدیگر منجر می‌شود و زمینه ستم و تضییع حقوق یکدیگر را در فرایند طلاق فراهم می‌سازد.

#### نقش زنان در سراج جمیل

از بازخوانی و تحلیل دیدگاه مفسران روشن شد که زنان نیز در فرایند طلاق زیبا و اخلاق‌مدار نقش مؤثری دارند؛ زیرا «سراج جمیل» اقتضاء دارد که در فرایند طلاق، هیچ «مشاجره و خصومتی» بین زن

و شوهر نباشد، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۵۵) و هر دو از «نزاع، جدل و تهمت زدن» بپرهیزند، (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۳۶۴) حتی در غیاب یکدیگر، جز به «نیکی و احترام» از دیگری یاد نکنند (قشیری، ۲۰۰۰: ۳ / ۱۶۷) تا منزلت اجتماعی هر دو، صیانت شود. افزون بر این که لازم است زن و شوهر در فرایند طلاق از «ضرررسانی» به یکدیگر بپرهیزند و با «توافق شایسته» و «مشورت‌های سازنده» به حل و فصل مسائل مشترک و ایفای نقش هم‌والدینی روآورند (ر.ک: بقره / ۲۳۳) در برخی از موارد نیز زن و شوهر به گذشت مالی در فرایند طلاق توصیه شده‌اند. (بقره / ۲۳۷)

برخی از شاخصه‌های طلاق زیبا نیز ویژه زنان مطلقه است، مانند: این که زن پس از طلاق رجعی با «سکونت در خانه شوهر» در ایام عده و «ابراز رفتارهای جذاب» و ترفندهای زنانه، به دنبال تغییر شرایط و بازگشت مرد به زندگی مشترک باشد. (ر.ک: طلاق / ۱) نیز برای مطلقه روا نیست که وضعیت رحم خود از نظر پاکی و طهارت و وجود نطفه و حمل، «کتمان» کند تا حقوق مرد را تضییع نماید. (ر.ک: بقره / ۲۲۸) افزون بر این که مطلقه توانایی مالی مرد را در نظر بگیرد و از سخت‌گیری و زیاده‌روی در استیفای حقوق مادی و معنوی خود بپرهیزد. در نهایت، تأکید مفسران بر این که در سراح جمیل، حقی دریغ نشود و ضرر و آزاری به دیگری نرسد، از جانب مطلقه نیز رعایت آن لازم به نظر می‌رسد.

## نتیجه

۱. هسته معنایی ماده «سراح»، انطلاق و رهایی از وابستگی و رفع قیود مادی و معنوی است. این واژه در آیات طلاق، به گسست پیوند وثیق ازدواج و رهایی کامل همسر از الزامات نکاح اشاره دارد. واژه «جمیل» نیز حسن و زیبایی فراوان در امور ظاهری، اخلاقی و معنوی را می‌رساند و بر تناسب و پختگی، کمال و نظم دلالت دارد. این واژه در آیات قرآن کریم در مورد راهبرد شایسته انسان‌ها در مواجهه با شرایط بحرانی و طاقت‌فرسا به کار رفته است.

۲. از تعبیر «سَراحاً جَمیلاً» در آیات ۲۸ و ۴۹ سوره احزاب، استفاده می‌شود که شیوه طلاق و جدایی همسران بر پایه هدایت‌های فطری و عقلی و نیز مطابق با عرف جامعه و در چهارچوب مقررات شرعی و آموزه‌های اخلاقی، «بسیار نیک و زیبا» باشد تا شأن و کرامت انسانی و شرافت بانوی مسلمان حفظ شود و پیامدهای خسارت بار فردی، خانوادگی و اجتماعی طلاق به حداقل برسد.

۳. از بیانات مفسران شیعه و اهل سنت به دست می‌آید که تحقق «سراح جمیل» در گرو آن است که زوجین در فرایند اختلاف و جدایی به مجموعه‌ای از شاخصه‌های ایجابی و سلبی ملتزم باشند. رعایت



مقررات طلاق، تأمین شایسته حقوق مادی، مانند: مهریه و نفقه و حقوق معنوی، مانند: حق حضانت فرزند و دیدار با او و شیردهی مادر، بخشش از حقوق مالی خود، یأس از اصلاح و سازش، مشورت و همفکری سازنده، توجه به حقوق فرزندان، پاسداشت حرمت یکدیگر، خوش‌گفتاری و خوش‌رفتاری، یادکردنیک، رازداری و سرپوشی، گذشت از خطاهای یکدیگر، احترام به حق انتخاب همسر آینده و مساعدت بر آن، بخشی از شاخصه‌های ایجابی طلاق زیبا است و در مقابل، داشتن انگیزه‌های منفی، شیوه بدعت آلود طلاق، خشونت‌های گفتاری و رفتاری، ضرررسانی و ستم بر یکدیگر، کتمان حقایق، بهتان و رفتارهای گناه‌آلود، بخشی از شاخصه‌های سلبی طلاق زیبا است.

۴. هر چند توصیه به سراج جمیل خطاب به مردان است که نشان می‌دهد نقش مردان در طلاق زیبا بیشتر است اما زنان نیز در این مهم نقش‌آفرین و مسئولند. آنها نیز لازم است حقوق مادی و معنوی شوهران خود را رعایت کنند و به ارزش‌های اخلاقی ملتزم باشند.

#### شاخصه‌های ایجابی سراج جمیل

تأمین شایسته حقوق غیرمالی (حق حضانت، حق دیدار فرزند و...)	تأمین شایسته حقوق مالی (نفقه، مهریه و...)	رعایت مقررات طلاق	یأس از اصلاح و سازش
انگیزه زیبا	حسن معاشرت	مشورت شایسته	ترازی شایسته
عفو	متعه طلاق	یادکرد نیک و مساعدت بر ازدواج مجدد	احترام به حق انتخاب همسر
رأفت و عطوفت	پاسداشت حرمت میثاق	رازداری و سرپوشی	

#### شاخصه‌های سلبی سراج جمیل

اضرار	ظلم	عضل (تحمیل) در امور مالی	عضل (تحمیل) در همسرگزینی
ایذاء	بهتان و رفتارهای گناه‌آلود	خصومت و نزاع	کتمان حقیقت

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ١٤١٥ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ١٣٦٢ ش، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ١٤١٣ ق، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ٢.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ١٤٢٠ ق، التحریر و التنویر، بیروت، التاریخ العربی.
- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، ١٤٢٢ ق، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، أحمد، ١٤٠٤ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ١٤١٤ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج ٣.
- امین اصفهانی، سیده نصرت، ١٣٦١ ش، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ١٤٢٠ ق، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
- بروسوی، اسماعیل، بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر.
- بلاغی نجفی، محمد جواد، ١٤٢٠ ق، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ١٣٦٦ ش، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥ ش، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ١٤٠٩ ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسینی همدانی، سید محمد، ١٤٠٤ ق، انوار درخشان، تهران کتابفروشی لطفی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ١٤١٥ ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ج ٤.
- خطیب، عبدالکریم، ١٤٢٤ ق، التفسیر القرآنی للقرآن الکریم، بیروت، دار الفکر العربی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ١٤٢٠ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ٣.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ١٤١٢ ق، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، الدار الشامیة.
- زحیلی، وهب بن مصطفی، ١٤١٨ ق، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت، دار الفکر المعاصر، ج ٢.

- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، فی ظلال القرآن، بیروت و قاهره، دار الشروق، چ ۵.
- شبر، سید عبدالله، ۱۴۰۷ ق، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت، مکتبة الألفین.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵ ش، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم، فرهنگ اسلامی، چ ۲.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ ق، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مؤلف.
- طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲ ش، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۴.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷ ش، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.
- طنطاوی سید محمد، ۱۹۹۷ م، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، نهضة مصر.
- طوسی، خواجه نصیر الدین، ۱۴۰۷ ق، تجرید الاعتقاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، التهذیب، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۹ ق، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عسکری، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰ ق، فروع اللغة، بیروت، دار الآفاق الجديدة.
- علیجانی، محسن و احمد قدسی، ۱۳۹۵، «فلسفه عده طلاق از منظر فریقین»، مطالعات تفسیری، ش ۲۷، ص ۲۴-۷، قم، دانشگاه معارف اسلامی
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۴۱۹ ق، کنز العرفان فی فقه القرآن، قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، قم، هجرت، چ ۲.
- فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، چ ۲.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، مکتبة الصدر، چ ۲.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکریم، قم، دار الهجرة، چ ۲.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱ ش، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چ ۶.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، ۲۰۰۰ م، لطائف الاشارات، قاهره، الهیئه المصریة العامة للکتاب، چ ۳.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶ ش، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.

- کرمی، محمد، ۱۴۰۴ ق، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، قم، چاپخانه علمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۴.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ج ۲.
- مدرسی، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام.
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، *تفسیر الموائجی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، بی تا، *زبدة البیان فی احکام القرآن*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.